

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Analysis of Judicial Security in Iran

Mehrzaad Razmjoui¹, Jafar Koosha ^{*2}, Bagher Shamloo³

1. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C. , Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: j_kousha@sbu.ac.ir

ABSTRACT

Judicial security, as one of the fundamental pillars of the rule of law, ensures both criminal and civil justice and is considered essential for safeguarding individual rights and personal security. The realization of this principle requires the structural and functional independence of the judiciary, transparency in the adjudication process, effective oversight of judges' performance, and a systematic fight against corruption within the judicial system. This study, through examining the challenges to judicial security in Iran, reveals that organizational and financial dependence of the judiciary on the executive branch, political and security interferences in legal proceedings, delays in case processing, a weak transparency framework, and ineffective judicial oversight are among the most significant barriers to achieving judicial security in Iran. A comparative analysis with the legal systems of the United States and France indicates that the establishment of independent bodies for appointing and overseeing judges, the reinforcement of jury authority, public disclosure of court decisions, enhancement of financial transparency among judicial officials, and the reduction of political influence in legal proceedings are among the most critical factors contributing to judicial security. In contrast, an examination of the legal systems of Turkey and Afghanistan demonstrates that the erosion of judicial independence, the spread of corruption, and the absence of effective oversight have led to the weakening of the legitimacy of judicial rulings and a decline in public trust in the judiciary. This research, by proposing solutions such as reforming the judge appointment and promotion process, establishing independent supervisory commissions, structurally combating judicial corruption, developing electronic adjudication systems, and strengthening the role of juries, emphasizes the necessity of implementing fundamental reforms within Iran's judicial system. The study's findings indicate that achieving justice and restoring public trust in the judiciary will not be possible without ensuring independence, transparency, and efficiency in the structure and functioning of the judicial apparatus.

Keywords: Judicial security, judicial independence, adjudication transparency, judicial corruption, judicial oversight, rule of law.

How to cite: Razmjoui, M., Koosha, J., Shamloo, B. (2024). A Comparative Analysis of Judicial Security in Iran. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 154-172.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی و تحلیل تطبیقی امنیت قضائی در ایران

مهرزاد رزمجویی^۱، جعفر کوشا^{۲*}، باقر شاملو^۳

۱. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۳. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- * پست الکترونیک نویسنده مسئول: j_Kousha@sbu.ac.ir

چکیده

امنیت قضایی به عنوان یکی از ارکان اساسی حاکمیت قانون، تضمین کننده عدالت کیفری و مدنی و لازمه حفظ حقوق و امنیت فردی محسوب می شود. تحقق این اصل مستلزم استقلال ساختاری و عملکردی قوه قضائیه، شفافیت در فرآیند دادرسی، نظارت مؤثر بر عملکرد قضات و مقابله نظام مند با فساد در دستگاه قضایی است. پژوهش حاضر، با بررسی چالش های امنیت قضایی در ایران، نشان می دهد که وابستگی سازمانی و مالی دستگاه قضا به قوه مجریه، مداخلات سیاسی و امنیتی در فرآیندهای دادرسی، اطاله رسیدگی، ضعف در نظام شفافیت و ناکارآمدی نظارت بر قضات، از مهم ترین موانع تأمین امنیت قضایی در ایران هستند. تحلیل تطبیقی با نظام های حقوقی ایالات متحده و فرانسه نشان می دهد که ایجاد نهادهای مستقل برای انتصاب و نظارت بر قضات، تحکیم جایگاه هیئت منصفه، انتشار عمومی آراء دادگاه ها، ارتقای شفافیت مالی مقامات قضایی و کاهش نفوذ سیاسی در فرآیندهای دادرسی، از مهم ترین عوامل تأمین کننده امنیت قضایی محسوب می شوند. در مقابل، بررسی نظام های حقوقی ترکیه و افغانستان گویای آن است که زوال استقلال قضایی، گسترش فساد و نبود نظارت مؤثر، منجر به تضعیف مشروعیت احکام قضایی و کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضا شده است. این پژوهش، با ارائه راهکارهایی شامل اصلاح فرآیند انتصاب و ارتقاء قضات، ایجاد کمیسیون های مستقل نظارتی، مقابله ساختاری با فساد قضایی، توسعه دادرسی الکترونیک و ارتقای نقش هیئت منصفه، بر ضرورت اجرای اصلاحات بنیادین در نظام قضایی ایران تأکید دارد. یافته های پژوهش نشان می دهد که تحقق عدالت و احیای اعتماد عمومی به قوه قضائیه، بدون تأمین استقلال، شفافیت و کارآمدی در ساختار و عملکرد دستگاه قضا، امکان پذیر نخواهد بود.

کلیدواژگان: امنیت قضایی، استقلال قضایی، شفافیت دادرسی، فساد قضایی، نظارت قضایی، حاکمیت قانون.

نحوه استناددهی: رزمجویی، مهرزاد، کوشا، جعفر، شاملو، باقر. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل تطبیقی امنیت قضائی در ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱۷۲-۱۵۴.

امنیت قضایی یکی از ارکان بنیادین حاکمیت قانون و تضمین حقوق شهروندان در یک نظام حقوقی عادلانه محسوب می‌شود که به معنای صیانت از حقوق افراد در فرایند دادرسی و دسترسی آنان به عدالت است. امنیت قضایی در دو سطح عینی و ذهنی تجلی می‌یابد؛ سطح عینی به معنای عدم وجود هرگونه مانع و تهدید عملی در دستیابی به وضعیت یاد شده است و سطح ذهنی به معنای نداشتن احساس هرگونه خوفی از دست نیافتن به حقوق خود در فرایند دادرسی است که ناشی از تضمینات قانونی، از جمله «اصل حاکمیت قانون» است (Hajideh Abadi & Samimi, 2024). بدون وجود یک سیستم قضایی کارآمد، مستقل و شفاف، تحقق عدالت و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی ناممکن خواهد بود. امنیت قضایی نه تنها به تضمین حقوق متهمان و طرفین دعوی در فرآیندهای دادرسی مرتبط است، بلکه به عنوان ابزاری اساسی برای حفظ نظم عمومی، پیشگیری از سوءاستفاده‌های قدرت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی نقش آفرینی می‌کند. در واقع، در نظام‌هایی که امنیت قضایی در سطح مطلوبی قرار دارد، شهروندان اطمینان دارند که در صورت تضییع حقوقشان، دستگاه عدالت با بی طرفی کامل، در کمترین زمان ممکن و عادلانه به تظلمات آنان رسیدگی خواهد کرد.

با این حال، امنیت قضایی در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، با چالش‌های متعددی مواجه است. از یک سو، استقلال دستگاه قضا همواره در معرض تهدیدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و از سوی دیگر، فساد قضایی و عدم شفافیت در فرآیندهای دادرسی، اعتماد عمومی را تضعیف و عدالت و انصاف و پاسخگویی را از بین می‌برد (Hosseini et al., 2024). در چنین شرایطی، بسیاری از شهروندان ممکن است برای حل اختلافات خود به جای مراجعه به دستگاه قضایی، به روش‌های غیرقانونی همچون خشونت شخصی، نفوذ در نهادهای اجرایی یا

استفاده از قدرت‌های غیررسمی متوسل شوند. این وضعیت نه تنها موجب تضعیف مشروعیت نظام قضایی می‌شود، بلکه امنیت اجتماعی را نیز به خطر می‌اندازد.

افزون بر این، تحولات جهانی و پیشرفت‌های تکنولوژی چالش‌های جدیدی را در حوزه امنیت قضایی به وجود آورده است. نظارت الکترونیکی گسترده، تهدیدات مرتبط با حریم خصوصی و به کارگیری هوش مصنوعی در فرآیندهای دادرسی، پرسش‌های اساسی را درباره تعادل میان اقتدار نظام قضایی و حمایت از آزادی‌های فردی مطرح کرده است. به ویژه در عصر دیجیتال، امکان سوءاستفاده از اطلاعات شخصی و نقض حریم خصوصی افراد از سوی نهادهای قضایی و امنیتی، به یکی از دغدغه‌های مهم حقوق بشری تبدیل شده است.

بر این اساس، مطالعه پیش رو تلاش دارد تا با بررسی ابعاد مختلف امنیت قضایی، چالش‌های موجود در نظام قضایی ایران را شناسایی کرده و راهکارهایی برای تقویت این رکن اساسی عدالت ارائه دهد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه عواملی موجب تضعیف امنیت قضایی در ایران شده و چگونه می‌توان با اصلاحات حقوقی و ساختاری، استقلال، شفافیت و کارآمدی دستگاه قضا را تقویت کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مبانی نظری و چارچوب مفهومی امنیت قضایی تبیین، سپس چالش‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، با بهره‌گیری از تحلیل تطبیقی و مطالعه تجربیات نظام‌های حقوقی دیگر، پیشنهادهایی برای بهبود و ارتقای امنیت قضایی در ایران ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

امنیت قضایی در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل به ویژه در سال‌های اخیر، مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. در حقوق ایران، مطالعات متعددی به بررسی ابعاد مختلف امنیت قضایی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، نجفی‌زاده دهکردی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی به نقش دادرسی علنی در تأمین امنیت قضایی اشاره

انسان‌ها، بدون بستر امن امکان پذیر نخواهد بود. تضمینات مادی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهت تأمین امنیت قضایی پیش‌بینی شده است از دو زاویه حق و تکلیف قابل بحث و بررسی می‌باشد. یکی به حقوقی که افراد در مقابل دستگاه‌های قضایی از آن باید برخوردار باشند مربوط است و دیگری تکلیفی است که از این رهگذر متوجه قضات می‌شود که در صورت عدم انجام آن تکالیف مسئولیت متوجه آنان خواهد شد (Torabi & Behnia, 2017). امنیت قضایی مفهومی بنیادین در حقوق عمومی و کیفری است که ارتباطی عمیق با اصول دادرسی عادلانه، حاکمیت قانون و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی دارد. این مفهوم نه تنها به ایجاد بسترهای قانونی برای دادرسی منصفانه اشاره دارد، بلکه شامل وجود یک نظام قضایی مستقل، کارآمد و عاری از فساد است که بتواند عدالت را بدون تبعیض اجرا کند. در این بخش، نخست تعاریف امنیت قضایی ارائه شده و سپس مؤلفه‌های اصلی آن در چارچوب نظریات حقوقی بررسی می‌شود.

تعریف و مؤلفه‌های امنیت قضایی

امنیت قضایی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق بشر، به‌ویژه در دادرسی‌های منصفانه و بی‌طرفانه، جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم به معنای تضمین دسترسی آزاد و بی‌واسطه افراد به محاکم قضایی مستقل و بی‌طرف است تا در صورت نقض حقوقشان، بتوانند از طریق دادرسی مناسب و مؤثر، حقوق خود را بازیابی کنند. پس نیازمند شناسایی مفهومی و مصداقی آن است تا بر اساس آن بتوان اجرای عدالت را تضمین و مانع خودکامگی صاحبان قدرت شد. (Akbari et al., 2023).

امنیت قضایی فراتر از حفظ نظم و کنترل بر فرایندهای قضایی است و به‌ویژه در حقوق بشر و دموکراسی تأثیر دارد. این امر به معنای عدم مداخله غیرقانونی یا سیاسی در تصمیمات قضایی و تضمین عدم تبعیض در رسیدگی به پرونده‌های مختلف است. برای تقویت این مفهوم، باید به اصل "حق دسترسی به دادگاه

کرده‌اند و بر اهمیت شفافیت و عدالت در فرآیندهای قضایی تأکید کرده‌اند (Najafi Zadeh Dehkordi et al., 2023). همچنین، بصیر و همکاران (۱۴۰۳) نقش مسئولیت‌های اخلاقی را در دادرسی کیفری و تأمین امنیت قضایی برجسته کرده‌اند و بر لزوم رعایت اصول اخلاقی در فرآیند دادرسی تأکید دارند (Basir et al., 2024). در زمینه امنیت‌گرایی و بدنام‌سازی کیفری، پژوهش‌های صالحی و زارع (۱۴۰۱) به تحلیل چالش‌های ناشی از این رویکردها پرداخته‌اند و اثرات آن بر حقوق متهمان را بررسی کرده‌اند (Salehi & Zare, 2023).

از سوی دیگر، در سطح بین‌المللی نیز اسناد حقوق بشری به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق دادرسی عادلانه و محاکمه بی‌طرفانه را تضمین کرده‌اند که این اصول از ارکان تأمین امنیت قضایی محسوب می‌شوند (International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), 1966). همچنین، تحقیقات فراجولی (۲۰۲۰) و زدنر (۲۰۰۴) در زمینه حقوق کیفری به تحلیل تأثیر اصول حقوق بشر بر امنیت قضایی پرداخته‌اند (Frajoli, 2020; Zedner, 2004). این پیشینه‌ها بر اهمیت امنیت قضایی در تأمین عدالت، حفظ حقوق فردی و تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضایی تأکید دارند و نشان می‌دهند که تأمین امنیت قضایی نه تنها یک الزام قانونی است بلکه یک اصل بنیادین برای حفظ حقوق بشر و اعتماد به سیستم قضایی محسوب می‌شود.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی امنیت قضایی

امنیت به‌طور عام و امنیت قضایی به‌طور خاص، امروزه برای کلیه شهروندان و نظام‌های سیاسی صرف نظر از سطح رفاه، توسعه اقتصادی-اجتماعی و نوع ایدئولوژی حاکم، از مهم‌ترین و در اولویت‌ترین مسایل به‌شمار می‌آید؛ چه اینکه هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نمی‌باشد. توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت مولد و سازنده

مستقل" و "حقوق برابر در دادرسی" اشاره کرد که در اسناد بین‌المللی چون "اعلامیه جهانی حقوق بشر" (ماده ۱۰) و "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" (ماده ۱۴) تصریح شده است.

نظریه‌های حقوقی مرتبط با امنیت قضایی

مطالعات نظری در حوزه امنیت قضایی عمدتاً بر دو بعد تأکید دارند: استقلال قوه قضائیه و حاکمیت قانون. برخی از مهم‌ترین نظریات حقوقی مرتبط با این مفهوم عبارت‌اند از:

نظریه تفکیک قوا (منتسکیو)

منتسکیو در کتاب "روح القوانين" تأکید می‌کند که تمرکز قدرت در یک نهاد، زمینه‌ساز استبداد است و استقلال قوه قضائیه، شرط اساسی برای حفظ آزادی‌های فردی و جلوگیری از استبداد دولتی محسوب می‌شود. وی قوه قضائیه را ضامن اجرای قانون و حمایت از حقوق مردم در برابر قدرت‌های اجرایی و مقننه می‌داند. با این حال، منتقدان نظریه وی به این نکته اشاره دارند که حتی با تفکیک قوا، در برخی شرایط، قوه قضائیه نیز ممکن است تحت تأثیر نیروهای سیاسی و اقتصادی قرار گیرد، که موجب کاهش امنیت قضایی می‌شود.

نظریه عدالت قضایی (راولز)

جان راولز در کتاب "نظریه عدالت" به‌طور خاص بر اساس اصل "عدالت به‌عنوان انصاف" تأکید دارد و امنیت قضایی را به‌عنوان ابزاری برای اطمینان از برابری افراد در برابر قانون معرفی می‌کند. راولز در نظریه عدالت خود بر این باور است که نهادهای قضایی باید به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شوند که اصل انصاف و بی‌طرفی در تمامی تصمیمات آن‌ها رعایت شود. به عقیده او، امنیت قضایی زمانی محقق می‌شود که همه شهروندان، فارغ از جایگاه اجتماعی خود، از حقوق برابر در دادرسی‌ها برخوردار باشند (Rawls, 1999: 28). اجرای کامل این نظریه در سیستم‌های قضایی پیچیده و فزاینده، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، بسیار دشوار است.

نظریه امنیت حقوقی (فرانچسکو فراجولی)

فراجولی بر نقش ویژه بی‌طرفی قضات و بر مفهوم "امنیت حقوقی" تأکید دارد که بخشی از امنیت قضایی محسوب می‌شود. وی معتقد است که پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و ثبات رویه‌های قضایی، دو عامل مهم در تحقق امنیت قضایی هستند. از نظر او، امنیت قضایی تنها به داشتن قوانین عادلانه محدود نمی‌شود، بلکه رویه‌های قضایی باید به‌گونه‌ای باشد که افراد بتوانند نتایج احتمالی دعوی خود را پیش‌بینی کنند. منتقدان وی اشاره می‌کنند که این نظریه در شرایط خاص (مانند بحران‌های سیاسی و اقتصادی) نمی‌تواند به‌طور کامل عمل کند و ممکن است در چنین شرایطی عدالت دچار تهدید شود.

نظریه کنترل قضایی (هربرت زدنر)

هربرت زدنر بر نقش نظارت قضایی بر نهادهای دولتی و امنیتی تأکید دارد. وی معتقد است که امنیت قضایی بدون ایجاد سازوکارهای مؤثر برای کنترل و مهار قدرت دولت ممکن نیست. در این راستا، استقلال دادگاه‌ها و تضمین دادرسی عادلانه، دو رکن اصلی در نظریه او محسوب می‌شود (Zedner, 2004). نقدهایی که به این نظریه وارد شده است، بیشتر حول چالش‌های عملی در سیستم‌های قضایی است که از نظر منابع انسانی و مالی تحت فشار هستند و ممکن است استقلال قضایی با مشکلاتی روبه‌رو شود. نظریه‌های مختلف در خصوص امنیت قضایی تأکید دارند بر تأمین عدالت و حفظ حقوق فردی در دادرسی‌های قضایی، اما در تحلیل‌های عمیق‌تر، به نقاط قوت و ضعف هرکدام از این نظریه‌ها پرداخته می‌شود:

جایگاه امنیت قضایی در نظام‌های حقوقی بین‌المللی

امنیت قضایی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین عدالت، در اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین این اسناد عبارت‌اند از:

باوجود این اصول، در عمل چالش‌هایی نظیر نفوذ نهادهای سیاسی در دستگاه قضایی، ضعف در اجرای اصل علنی بودن محاکمات و وابستگی مالی قوه قضائیه به دولت، موجب تضعیف امنیت قضایی شده‌اند. در ادامه مقاله، این چالش‌ها به تفصیل بررسی خواهند شد.

ابعاد امنیت قضایی و ارتباط آن با حقوق فردی

بدیهی است که امنیت حقوقی به مثابه زمینه و شرط تحقق امنیت قضایی مطرح است. در این مقوله نیز، امنیت حقوقی با تحقق آگاهی شهروندان از حق‌های خویش در رسیدگی‌های قضایی و حتی پیش از آن، به صورت تضمینی برای ثبات و شفافیت نظام حقوقی ظاهر می‌شود (Vijeh, 2011).

امنیت قضایی مفهومی چندبُعدی است که ارتباطی تنگاتنگ با تضمین حقوق فردی، اجرای عدالت و حفظ نظم حقوقی دارد. این مفهوم را می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: **استقلال قضایی**، **شفافیت دادرسی و کارآمدی نظام قضایی**. استقلال قضایی به معنای رهایی دستگاه قضا از هرگونه مداخله سیاسی، اقتصادی و نهادی است که می‌تواند بر فرآیند دادرسی اثر بگذارد. این استقلال در دو سطح **نهادی و فردی** معنا پیدا می‌کند. از یک سو، قوه قضائیه باید از سایر قوا، به‌ویژه قوه مجریه، مستقل باشد تا بتواند بی‌طرفانه عمل کند. هرچند که اصل ۱۵۶ قانون اساسی استقلال این قوه را تصریح کرده است، اما وابستگی مالی و اداری آن به دولت موجب شده که در عمل، این استقلال با چالش‌هایی روبه‌رو شود. از سوی دیگر، استقلال فردی قضات (طبق اصل ۱۶۴ قانون اساسی) نیز به معنای آزادی آن‌ها از فشارهای غیرقانونی و تهدیدات است، اما مداخلات برخی نهادهای خاص و فرآیندهای انتصابی غیرشفاف می‌تواند این استقلال را تحت‌الشعاع قرار دهد. در نتیجه، نقض استقلال قضایی، تأثیرات مستقیمی بر حقوق فردی می‌گذارد؛ از جمله افزایش بازداشت‌های خودسرانه، محدودیت در دادرسی منصفانه و افزایش فساد در دستگاه قضا، که همگی به کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی منجر می‌شوند.

ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR): بر حق هر فرد برای برخورداری از دادرسی عادلانه، مستقل و بی‌طرف تأکید دارد. این ماده یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی برای سنجش میزان تحقق امنیت قضایی در کشورهای مختلف محسوب می‌شود. اصول بنیادین سازمان ملل درباره استقلال قضات (۱۹۸۵): تأکید می‌کند که دستگاه قضایی باید مستقل از هرگونه نفوذ سیاسی یا اجرایی باشد و قاضیان نباید تحت فشارهای خارجی تصمیم‌گیری کنند.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR): در ماده ۶، بر حق برخورداری از دادرسی عادلانه، علنی بودن محاکمات و بی‌طرفی قضات تأکید کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در آراء متعددی بر ضرورت استقلال دستگاه قضا به‌عنوان شرط تحقق عدالت تأکید داشته است.

امنیت قضایی در نظام حقوقی ایران

امنیت قضایی از موضوعات مهمی است که بر تضمین حقوق قضایی شهروندان از سوی حاکمیت دلالت دارد. امنیت قضایی به دلیل ارتباط تنگاتنگ با حقوق قضایی شهروندان و توجه روزافزون به این حقوق از اهمیت بالایی برخوردار است (Najafi Zadeh, 2023). در نظام حقوقی ایران، اصول مختلفی از قانون اساسی به امنیت قضایی پرداخته‌اند. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

اصل ۱۵۶ قانون اساسی: قوه قضائیه را یک نهاد مستقل می‌داند که مسئول تحقق عدالت و احقاق حقوق مردم است.

اصل ۱۶۴ قانون اساسی: تأکید دارد که قضات نباید بدون دلیل قانونی و محاکمه از سمت خود برکنار شوند. این اصل برای تضمین استقلال فردی قضات وضع شده است.

اصل ۱۶۵ قانون اساسی: بر علنی بودن محاکمات تأکید دارد، مگر در مواردی که امنیت ملی اقتضا کند.

شفافیت در فرآیندهای قضایی نیز از ارکان اساسی امنیت قضایی محسوب می‌شود، زیرا از یک‌سو مانع از بروز فساد شده و از سوی دیگر، اعتماد عمومی به عدالت را افزایش می‌دهد. این شفافیت در سه سطح عمده نمود پیدا می‌کند: علنی بودن محاکمات، انتشار آراء قضایی و نظارت عمومی بر عملکرد قوه قضائیه. اصل ۱۶۵ قانون اساسی بر ضرورت علنی بودن محاکمات تأکید دارد، مگر در مواردی که امنیت عمومی یا اخلاق حسنه اقتضا کند. علنی بودن جلسات دادگاه یکی از ابزارهای مؤثر برای کنترل فساد و نظارت عمومی بر عملکرد قضات است. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، مانند ایالات متحده، رسانه‌ها به‌عنوان ناظران عمومی نقش مهمی در انتشار اطلاعات مربوط به دادگاه‌ها ایفا می‌کنند، اما در ایران، در برخی پرونده‌های حساس، محدودیت‌هایی برای علنی بودن دادرسی‌ها وجود دارد که می‌تواند موجب کاهش شفافیت و افزایش امکان اعمال نفوذ شود. همچنین، انتشار عمومی آراء قضایی یکی از معیارهای اساسی در شفافیت دادرسی‌ها محسوب می‌شود. در بسیاری از کشورها، آرای محاکم عالی به‌صورت منظم منتشر می‌شوند تا به‌عنوان منبع حقوقی مورد استناد قرار گیرند، اما در ایران، نبود یک سیستم جامع برای انتشار آراء، موجب کاهش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و ایجاد ابهام در رویه‌های قضایی شده است. علاوه بر این، نظارت بر عملکرد قوه قضائیه از سوی نهادهای مستقل یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی شفافیت است. در برخی کشورها، نهادهای مستقلی مانند کمیسیون‌های نظارتی بر عملکرد قضات نظارت دارند، اما در ایران، این نظارت عمدتاً از طریق دادگاه عالی انتظامی قضات که خود بخشی از ساختار قوه قضائیه است، اعمال می‌شود؛ امری که ممکن است استقلال نظارتی را کاهش داده و کارآمدی آن را محدود کند.

کارآمدی و پاسخ‌گویی قضایی نیز یکی دیگر از ابعاد کلیدی امنیت قضایی است. یک نظام قضایی کارآمد باید قادر باشد که در زمان معقول و با دقت، به دعاوی رسیدگی کرده و آرای خود را اجرا

کند. تأخیر و طولانی شدن روند رسیدگی، یکی از معضلات جدی در نظام‌های قضایی است که موجب افزایش هزینه‌های دادرسی، کاهش اعتماد عمومی و افزایش تمایل افراد به استفاده از روش‌های غیررسمی حل اختلافات، مانند خشونت و فساد، می‌شود. یکی از راهکارهای ارتقای کارآمدی قضایی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین است که می‌تواند موجب تسریع در فرآیندهای دادرسی و کاهش خطای انسانی شود. برای مثال، استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل پرونده‌ها یا دادگاه‌های الکترونیک در کشورهای پیشرفته، موجب افزایش سرعت و دقت در روند قضایی شده است. در ایران، هرچند تلاش‌هایی برای دیجیتالی‌سازی فرآیندهای قضایی صورت گرفته، اما ضعف شدید زیرساخت‌های دیجیتال، نبود قوانین حمایتی مناسب و مهم‌تر از همه، فقدان دانش و سواد دیجیتال در میان مسئولان و مجریان این طرح‌ها، اجرای گسترده این سیاست‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

در مجموع، امنیت قضایی تنها زمانی می‌تواند تضمین‌کننده حقوق فردی باشد که استقلال دستگاه قضا از سایر قوا و گروه‌های ذی‌نفوذ حفظ شود، فرآیندهای دادرسی شفاف و تحت نظارت عمومی قرار گیرند و کارآمدی نظام قضایی افزایش یابد. ضعف در هر یک از این مؤلفه‌ها نه تنها موجب افزایش فساد و کاهش اعتماد عمومی می‌شود، بلکه می‌تواند مستقیماً حقوق و آزادی‌های فردی را تهدید کند. در بخش بعدی، چالش‌های امنیت قضایی در ایران به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چالش‌های امنیت قضایی در ایران

امنیت قضایی در ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که به‌طور مستقیم بر حقوق فردی و عدالت کیفری تأثیر می‌گذارند. این چالش‌ها را می‌توان در چند محور اساسی بررسی کرد: **مداخله‌پذیری قوه قضائیه، عدم شفافیت دادرسی، اطاله دادرسی، فساد قضایی و ضعف در اجرای احکام قضایی.**

کارآمدی نظام قضایی شده است. یکی از دلایل این مشکل، کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف در مدیریت پرونده‌ها و استفاده ناکافی از فناوری‌های نوین در دادرسی است. در برخی کشورها، برای کاهش اطاله دادرسی از دادگاه‌های آنالین، میانجی‌گری حقوقی و سیستم‌های حل اختلاف جایگزین استفاده می‌شود، اما در ایران، نبود زیرساخت‌های مناسب و عدم تدوین قوانین کارآمد، موجب ادامه‌دار شدن این مشکل شده است.

چهارمین چالش، فساد در نظام قضایی است که می‌تواند اعتبار و کارآمدی دستگاه قضا را به شدت تحت الشعاع قرار دهد. فساد در نظام قضایی به اشکال مختلفی از جمله رشوه‌خواری، اعمال نفوذ در پرونده‌ها، انتصاب‌های غیرشفاف و عدم استقلال نهادهای نظارتی بروز پیدا می‌کند. هرچند که در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای مقابله با فساد قضایی صورت گرفته، اما همچنان این پدیده یکی از موانع جدی در تحقق عدالت و امنیت قضایی محسوب می‌شود. در بسیاری از کشورها، نهادهای مستقلی مانند کمیسیون‌های ضدفساد یا دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به تخلفات قضات وجود دارند، اما در ایران، این نقش عمدتاً بر عهده دادگاه عالی انتظامی قضات است که خود زیرمجموعه قوه قضائیه محسوب می‌شود و استقلال آن محل تردید است.

آخرین چالش، ضعف در اجرای احکام قضایی است. اجرای صحیح و به موقع احکام قضایی، یکی از ارکان اساسی امنیت قضایی است، اما در ایران، مشکلاتی مانند عدم هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و قضایی، کمبود نیروی اجرایی و نفوذ برخی افراد در فرآیند اجرای احکام، موجب شده که برخی احکام با تأخیر یا حتی اجرا نشوند. این وضعیت به ویژه در پرونده‌های مربوط به دعاوی مالی و اقتصادی بیشتر مشاهده می‌شود. برای رفع این مشکل، لازم است که سیستم نظارت بر اجرای احکام تقویت شده و مکانیسم‌های اجرایی کارآمدتری تعریف شود.

نخستین چالش، مداخله‌پذیری قوه قضائیه و عدم استقلال کامل آن است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران بر استقلال قوه قضائیه تأکید دارد، اما در عمل، این استقلال با محدودیت‌هایی مواجه است. انتصاب رئیس قوه قضائیه توسط مقام رهبری و وابستگی بودجه‌ای این قوه به دولت، زمینه اعمال نفوذ را فراهم می‌کند. همچنین، در برخی پرونده‌های حساس، فشارهای سیاسی و امنیتی بر روند دادرسی تأثیرگذار است. این وضعیت می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن اصل بی‌طرفی در رسیدگی‌های قضایی و کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضا شود. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، استقلال قوه قضائیه از طریق انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم قضات توسط یک نهاد مستقل و تضمین بودجه مستقل تأمین می‌شود، در حالی که در ایران، این روند با چالش‌هایی مواجه است که استقلال عملی دستگاه قضا را کاهش می‌دهد.

چالش دوم، عدم شفافیت در فرآیند دادرسی است. با اینکه اصل ۱۶۵ قانون اساسی بر علنی بودن محاکمات تأکید دارد، اما در برخی پرونده‌ها، جلسات دادگاه به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود و دسترسی عمومی به اطلاعات محدود است. این امر به ویژه در پرونده‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی موجب افزایش سوءظن عمومی و کاهش شفافیت قضایی شده است. علاوه بر این، انتشار آراء قضایی که می‌تواند به یکسان‌سازی رویه‌ها و تقویت پیش‌بینی‌پذیری حقوقی کمک کند، در ایران به صورت نظام‌مند انجام نمی‌شود. در بسیاری از کشورها، آرای دادگاه‌های عالی منتشر شده و مبنای استنادهای حقوقی قرار می‌گیرند، اما در ایران، عدم انتشار منظم این آراء موجب کاهش شفافیت و افزایش رویه‌های متفاوت در محاکم شده است.

سومین چالش، اطاله دادرسی و طولانی بودن فرآیندهای قضایی است. یکی از مشکلات اساسی در نظام قضایی ایران، کندی روند رسیدگی به پرونده‌ها و تراکم بالای دعاوی در محاکم است. این امر موجب افزایش هزینه‌های دادرسی، نارضایتی عمومی و کاهش

در مجموع، چالش‌های امنیت قضایی در ایران به ضعف در استقلال دستگاه قضایی، شفافیت دادرسی، کارآمدی و نظارت در نظام قضایی بازمی‌گردد. حل این چالش‌ها نیازمند اصلاحات ساختاری، تقویت نظارت عمومی، کاهش مداخلات سیاسی و افزایش کارآمدی دستگاه قضا از طریق بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و به‌روزرسانی قوانین است. تحلیل تطبیقی امنیت قضایی در ایران و سایر کشورها، به درک بهتر چالش‌ها و ارزیابی دقیق‌تر کارایی راهکارها منجر خواهد شد.

تحلیل تطبیقی امنیت قضایی

امنیت قضایی در نظام‌های حقوقی مختلف، بسته به ساختار سیاسی، قانونی و فرهنگی هر کشور، دارای ویژگی‌های متفاوتی است. بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته و کشورهای دارای مشکلات مشابه با ایران، می‌تواند شناخت بهتری از چالش‌های امنیت قضایی در ایران فراهم کرده و راهکارهای مؤثرتری برای اصلاح نظام قضایی ارائه دهد. در این بخش، امنیت قضایی در نظام‌های حقوقی ایالات متحده و فرانسه و برخی کشورهای دارای مشکلات مشابه همچون ترکیه و افغانستان در ارتباط با نظام حقوقی ایران بررسی می‌شود.

امنیت قضایی در ایالات متحده: چارچوب حقوقی و الزامات

قانونی

نظام قضایی ایالات متحده بر پایه اصولی همچون تفکیک قوا، استقلال دستگاه قضا و نظارت عمومی شکل گرفته است. این اصول، که در قانون اساسی آمریکا و رویه‌های حقوقی چند قرن اخیر ریشه دارند، نقش اساسی در تضمین امنیت قضایی ایفا می‌کنند. مهم‌ترین ابعاد این نظام شامل استقلال قضات، شفافیت دادرسی و سازوکارهای نظارتی بر عملکرد دستگاه قضایی است. استقلال قضات در ایالات متحده یکی از ارکان حیاتی امنیت قضایی محسوب می‌شود. مطابق ماده سوم قانون اساسی ایالات متحده (Article III, Section 1)، قضات دیوان عالی و

دادگاه‌های فدرال از زمان انتصاب تا پایان عمر، مشروط به رفتار شایسته، در سمت خود باقی می‌مانند و حقوق آن‌ها کاهش نمی‌یابد. این ساختار، مانع از تأثیرپذیری آن‌ها از فشارهای سیاسی و اقتصادی شده و تضمین می‌کند که فرآیندهای قضایی در فضایی مستقل و عاری از مداخله قدرت‌های سیاسی و اقتصادی اجرا شوند. در عین حال، برکناری قضات تنها از طریق فرآیند استیضاح کنگره امکان‌پذیر است، که خود سازوکاری پیچیده و استثنایی دارد. (U.S. Constitution, Article III, Section 1) با این

حال، در سطح ایالتی، برخی قضات از طریق انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند، امری که از یک سو پاسخگویی دستگاه قضا را افزایش می‌دهد اما از سوی دیگر، آن‌ها را در معرض نفوذ گروه‌های سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد (Zedner, 2004).

شفافیت دادرسی یکی دیگر از ارکان اساسی نظام قضایی ایالات متحده است که به‌طور مشخص در متمم ششم قانون اساسی تضمین شده است. (U.S. Constitution, Amendment VI) بر اساس این اصل، تمامی دادرسی‌های کیفری باید علنی و با حضور هیئت‌منصفه بی‌طرف برگزار شود، مگر در موارد استثنایی مانند حفظ امنیت ملی یا حریم خصوصی قربانیان. جلسات دادگاه‌ها عمدتاً به‌صورت علنی برگزار می‌شود و آرای صادره در پرونده‌های مهم، در اختیار عموم قرار می‌گیرد. رسانه‌ها و نهادهای غیردولتی نیز حق نظارت بر فرآیندهای قضایی را دارند و می‌توانند اطلاعات مربوط به آن را منتشر کنند. این شفافیت، از یک سو موجب ارتقای پاسخگویی قضات و از سوی دیگر، اعتماد عمومی به دستگاه قضا را افزایش می‌دهد (Frajoli, 2020; Zedner, 2004).

علاوه بر این، نظارت بر عملکرد قضات و پیشگیری از فساد قضایی از دیگر ابعاد مهم در تأمین امنیت قضایی در ایالات متحده است. در این کشور، چندین نهاد مستقل برای ارزیابی عملکرد قضات و رسیدگی به تخلفات احتمالی آن‌ها ایجاد شده است.

در نظام قضائی فرانسه، تلاش شده است تا بین استقلال قوه قضائیه و نظارت بر عملکرد آن تعادل برقرار گردد. این سیستم که تحت تأثیر نظام حقوقی رومی-ژرمنی و اصلاحات پس از انقلاب فرانسه شکل گرفته است، به‌ویژه در مواردی که به حفظ استقلال قضات و مقابله با فساد مربوط می‌شود، به‌طور خاص ویژگی‌هایی را در خود جای داده است. شورای عالی قوه قضائیه (Conseil Supérieur de la Magistrature – CSM) که در ماده ۶۴ قانون اساسی فرانسه (Article 64, Constitution de la Cinquième République, 1958) به‌وضوح تعریف شده است، نقش کلیدی در تأمین استقلال قضائی دارد. این شورا وظیفه انتصاب و نظارت بر قضات را بر عهده دارد و از مداخله مستقیم قوه مجریه مصون است. رئیس‌جمهور فرانسه تنها به‌طور تشریفاتی در تأیید انتصابات قضات دخالت دارد و این امر موجب می‌شود که قضات فرانسه کمتر تحت تأثیر فشارهای سیاسی قرار گیرند (Frajoli, 2020).

برخلاف ایران، که رئیس قوه قضائیه از سوی مقام رهبری منصوب می‌شود، در فرانسه، فرآیند انتصاب قضات به‌طور مستقل و بدون مداخله دولت انجام می‌شود.

علاوه بر این، نظارت بر عملکرد قضات در فرانسه از طریق سازوکارهای مختلفی مانند دادگاه‌های ویژه و نهادهای مستقل صورت می‌گیرد. یکی از این نهادها، دادگاه عدالت جمهوری (Cour de Justice de la République) است که به تخلفات کیفری مقامات عالی‌رتبه، از جمله قضات ارشد رسیدگی می‌کند (Frajoli, 2020). همچنین، طبق ماده ۱۰۲ قانون کیفری فرانسه (Article 102, Code Pénal)، قضات موظف‌اند دارایی‌های خود را اعلام کرده و از هرگونه ارتباط مالی مشکوک پرهیز کنند. این اقدام به شفافیت مالی در دستگاه قضائی کمک کرده و زمینه‌ساز نظارت بیشتر بر عملکرد قضات می‌شود (Zedner, 2004).

کمیته‌های نظارتی کنگره، نظارت بر عملکرد قوه قضائیه را برعهده دارند و در صورت لزوم، فرآیند استیضاح قضات را آغاز می‌کنند. همچنین، قانون نظارت بر اخلاق قضایی (Judicial Conduct and Disability Act of 1980)، این اختیار را به دادگاه‌های فدرال می‌دهد که در صورت مشاهده فساد یا سوءرفتار قضات، آن‌ها را تحت پیگرد قرار دهند. دیوان عالی ایالات متحده نیز از طریق تفسیر قانون اساسی، قادر به اصلاح رویه‌های مغایر با اصول اساسی است و در موارد متعدد، نقش مهمی در تضمین عدالت ایفا کرده است (Frajoli, 2020).

رهیافت‌هایی برای اصلاح در ایران: اصلاحات قانونی و اجرایی

بررسی ساختار نظام قضایی ایالات متحده نشان می‌دهد که امنیت قضایی صرفاً در گرو استقلال قضات نیست، بلکه شفافیت و نظارت مستقل نیز نقش اساسی در تحقق آن دارند. این الگو می‌تواند درس‌های مهمی برای اصلاح نظام قضایی ایران ارائه دهد. در ایران، با وجود تصریح قانون اساسی بر استقلال قوه قضائیه، فرآیند انتصاب و عزل قضات وابسته به نهادهای اجرایی است، امری که استقلال واقعی آن‌ها را به چالش می‌کشد. اصلاح اصل ۱۶۴ قانون اساسی ایران و طراحی مکانیزمی مشابه ایالات متحده، می‌تواند از برکناری‌های سیاسی قضات جلوگیری کند. همچنین، افزایش شفافیت از طریق انتشار عمومی آرای قضایی، به‌ویژه در پرونده‌های مهم، می‌تواند موجب ارتقای اعتماد عمومی شود. ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر عملکرد قضات نیز می‌تواند از فساد قضایی پیشگیری کند. در نهایت، اگرچه مدل قضایی ایالات متحده مستقیماً در ایران قابل پیاده‌سازی نیست، اما برخی از اصول آن، به‌ویژه در زمینه شفافیت، استقلال قضات و نظارت مستقل بر عملکرد، می‌توانند به‌عنوان الگوهای اصلاحی مورد توجه قرار گیرند.

امنیت قضایی در فرانسه: ترکیب استقلال و نظارت قضایی

فرانسه همچنین به‌طور خاص برای افزایش شفافیت، انتشار آرای قضائی را از سال ۱۹۷۵ میلادی، پس از تصویب "قانون آزادی اطلاعات (Loi sur la liberté d'information)"، آغاز کرد. این قانون سیستم قضائی را ملزم می‌کند تا آرای دادگاه‌ها را به‌صورت عمومی منتشر کند، به‌طوری که این اقدام موجب افزایش نظارت عمومی و اعتماد مردم به دستگاه قضائی شده است.

در نهایت، در نظام قضائی فرانسه، نظارت بر اجرای احکام نیز با استفاده از کمیسیون‌های مستقل قضائی و نظارت دادستانی انجام می‌شود. طبق ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (Article 135, Code de Procédure Civile)، تأخیر در اجرای احکام موجب مسئولیت کیفری مقامات قضائی می‌شود و این امر موجب می‌شود تا احکام دادگاه‌ها به‌موقع اجرا شوند.

رهیافت‌هایی برای اصلاح در ایران: اصلاح نظارت و تقویت

سلامت دستگاه قضائی

در راستای این تجربیات، برای بهبود امنیت قضائی در ایران، پیشنهادهایی می‌توان مطرح کرد. یکی از این پیشنهادات، اصلاح فرآیند انتصاب قضات و کاهش وابستگی به قوه مجریه است. در حال حاضر، رئیس قوه قضائیه در ایران توسط مقام رهبری منصوب می‌شود و نظارت مستقلی بر دستگاه قضا وجود ندارد. تأسیس نهادی مشابه شورای عالی قوه قضائیه فرانسه می‌تواند به استقلال بیشتر دستگاه قضا کمک کند. همچنین، تأسیس دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به تخلفات قضات و ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت مالی بر دارایی‌های قضات، مشابه آنچه در فرانسه انجام شده است، می‌تواند از فساد جلوگیری کند و به شفافیت مالی در دستگاه قضائی ایران کمک کند. در نهایت، نظارت بر اجرای احکام از طریق ایجاد نهادهای مستقل نظارتی می‌تواند تأخیرهای غیرموجه در روند اجرای احکام را کاهش دهد و کارآمدی دستگاه قضا را افزایش دهد.

تجربه فرانسه نشان می‌دهد که استقلال و نظارت دستگاه قضا نه تنها در تعارض با یکدیگر نیستند، بلکه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. با اعمال اصلاحات مشابه آنچه در نظام قضائی فرانسه اجرا شده است، ایران می‌تواند به سمت یک سیستم قضائی مستقل و شفاف‌تر حرکت کند که علاوه بر حفظ حقوق شهروندان، موجب افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضا خواهد شد.

مقایسه ایران با ترکیه و افغانستان در امنیت قضائی

بررسی وضعیت امنیت قضائی در کشورهایی که چالش‌های مشابه با ایران را تجربه کرده‌اند، می‌تواند در اصلاحات ساختاری و اجرایی نظام قضائی ایران راهگشا باشد. در این میان، ترکیه و افغانستان به‌عنوان نمونه‌هایی از کشورهایی با مشکلات مشابه در زمینه استقلال دستگاه قضائی، فساد و تأثیرات سیاسی بر روند قضائی، قابل مقایسه هستند. تحلیل تطبیقی این کشورها نشان می‌دهد که تضعیف امنیت قضائی به‌ویژه در اثر ترکیب قدرت‌های اجرایی و قضائی، فقدان نظارت مؤثر و فساد ساختاری، همگی عواملی هستند که موجب کاهش اعتماد عمومی به دستگاه عدالت و گسترش بی‌عدالتی می‌شوند.

وضعیت امنیت قضائی در ترکیه: تهدیدات ناشی از تمرکز

قدرت

بررسی وضعیت امنیت قضائی در کشورهایی که با چالش‌های مشابه مواجه‌اند، می‌تواند در شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهای اصلاحی برای نظام قضائی ایران مؤثر باشد. ترکیه، به‌عنوان نمونه‌ای از کشورهایی که در سال‌های اخیر با تغییرات عمده در ساختار قضائی خود مواجه شده است، تجربه‌ای مهم در زمینه کاهش استقلال قوه قضائیه و افزایش نفوذ قوه مجریه دارد. اصلاحات قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۷ تغییرات بنیادینی در ساختار حکومتی این کشور ایجاد کرد که مستقیماً بر استقلال قوه قضائیه تأثیر گذاشت. یکی از مهم‌ترین تغییرات، حذف جایگاه نخست‌وزیری و تمرکز بیشتر قدرت در دست رئیس‌جمهور بود.

که موجب افزایش مداخله قوه مجریه در امور قضایی شد (Shafaqna, 2017).

علاوه بر این، براساس اصلاحات مذکور، رئیس‌جمهور اختیار انتصاب چهار عضو از سیزده عضو شورای عالی قضایی را به دست آورد که این امر، نقش قوه مجریه را در ترکیب این نهاد کلیدی افزایش داد.

پیامدهای اصلاحات ۲۰۱۷ بر امنیت قضایی ترکیه

الف- کاهش استقلال دستگاه قضا

پیش از اصلاحات، شورای عالی قضات و دادستان‌ها (HSK) به‌عنوان نهادی مستقل مسئولیت نظارت بر انتصاب، ارتقا و عزل قضات را برعهده داشت. اما پس از تغییرات سال ۲۰۱۷، این شورا به‌شدت تحت نفوذ قوه مجریه قرار گرفت و امکان دخالت دولت در تصمیمات قضایی افزایش یافت. این وضعیت، منجر به صدور احکام با جهت‌گیری سیاسی و کاهش اعتماد عمومی به بی‌طرفی دستگاه قضا شد.

ب- افزایش پیگردهای سیاسی و تضعیف امنیت قضایی

پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، دولت ترکیه هزاران قاضی و دادستان را به اتهام ارتباط با جنبش فتح‌الله گولن و دست داشتن در کودتا برکنار یا زندانی کرد. شورای عالی قضات و دادستان‌ها در سال ۲۰۱۷، تعداد ۲۲۷ قاضی و دادستان را برکنار کرد که مجموع برکناری‌ها را به ۳۹۸۸۶ نفر رساند. در سال ۲۰۱۹، وزیر دادگستری ترکیه اعلام کرد که بیش از ۳۹۰۰ قاضی و دادستان از کار برکنار شده‌اند. این اقدامات، ترس و بی‌ثباتی را در میان بدنه قوه قضائیه ایجاد کرده و زمینه را برای افزایش خودسانسوری در میان قضات فراهم کرده است.

ج- تضعیف اصل تفکیک قوا و نقض استقلال قضایی

بر اساس ماده ۹ قانون اساسی ترکیه، استقلال دستگاه قضایی تضمین شده است (Article 9, Constitution of Turkey, 1982)، اما اصلاحات ۲۰۱۷ این استقلال را نقض کرده و سیستم

قضایی را به ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی تبدیل کرد. دادگاه حقوق بشر اروپا نیز در سال ۲۰۲۱ حکم داد که ترکیه با دستگیری بیش از ۴۰۰ قاضی و دادستان پس از کودتای نافرجام، برخلاف اصول دادرسی عادلانه عمل کرده است.

تجربه ترکیه نشان می‌دهد که ادغام بیش‌ازحد قدرت‌های سیاسی و قضایی، موجب کاهش امنیت قضایی و افزایش بی‌اعتمادی عمومی به دستگاه قضا می‌شود. تمرکز قدرت در دست قوه مجریه، علاوه بر تضعیف تفکیک قوا، استقلال نهادهای نظارتی را نیز به خطر می‌اندازد. این وضعیت اهمیت حفظ استقلال قوه قضائیه و تقویت نظارت بر عملکرد آن را به‌عنوان اصول بنیادین در تأمین عدالت و امنیت قضایی نشان می‌دهد.

نتایج قابل استفاده از تجربه ترکیه برای ایران

وضعیت ترکیه نشان می‌دهد که تمرکز قدرت اجرایی بر دستگاه قضایی می‌تواند استقلال آن را به شدت تضعیف کند. سیاست‌های اخیر در ترکیه موجب شده که قوه قضائیه تا حد زیادی وابسته به قوه مجریه شود و بسیاری از قضات و دادستان‌ها تحت فشارهای سیاسی قرار گیرند. این مسأله به کاهش اعتماد عمومی به عدالت قضایی و افزایش خودسانسوری در تصمیم‌گیری‌های قضات منجر شده است. برای جلوگیری از این وضعیت در ایران، باید نظام انتصاب و عزل قضات به‌گونه‌ای طراحی شود که قوه قضائیه در برابر نفوذ سیاسی مصون بماند. همچنین، تأسیس نهادهای مستقل برای نظارت بر عملکرد دستگاه قضا و اطمینان از بی‌طرفی آن، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند استقلال قضایی را تضمین کند.

وضعیت امنیت قضایی در افغانستان: چالش‌های ساختاری و

پیامدهای فساد سیستماتیک و نفوذ غیررسمی

افغانستان، به‌ویژه پس از خروج نیروهای خارجی و تسلط طالبان، با بحرانی عمیق در حوزه امنیت قضایی مواجه شده است. ضعف حاکمیت قانون، نفوذ گسترده گروه‌های مسلح، و فساد سیستماتیک

ستی کشور دارد، به گسترش رویه‌های غیرعادلانه منجر شده و باعث شده تصمیمات قضایی بدون رعایت استانداردهای قانونی صادر شوند. ضعف شدید نهادهای نظارتی نیز موجب شده امکان مقابله با فساد و مداخلات غیرقانونی در قوه قضائیه فراهم نباشد.

نتایج قابل استفاده از تجربه افغانستان برای ایران

تجربه افغانستان نشان می‌دهد که بدون یک نظام قضایی مستقل، کارآمد و عاری از فساد، حاکمیت قانون تضعیف شده و امنیت قضایی به خطر خواهد افتاد. فساد گسترده، نفوذ گروه‌های مسلح در روند دادرسی و عدم اعتماد عمومی به دستگاه قضا، مهم‌ترین چالش‌های امنیت قضایی در افغانستان هستند. در ایران، تقویت نظارت بر دستگاه قضا و جلوگیری از نفوذ نهادهای غیررسمی و سیاسی می‌تواند از بروز چنین چالش‌هایی جلوگیری کند. همچنین، نظارت مؤثر بر عملکرد قضات و دستگاه‌های قضایی، نقش مهمی در کاهش فساد دارد. حفظ استقلال قوه قضائیه در برابر مداخلات سیاسی و امنیتی نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در مجموع می‌توان گفت مقایسه وضعیت امنیت قضایی ایران با ترکیه و افغانستان نکات مهمی برای کشورمان به همراه دارد. در ترکیه، تمرکز قدرت در دست قوه اجرائی و کاهش استقلال قوه قضائیه، تهدیدی جدی برای امنیت قضایی محسوب می‌شود. این وضعیت باید در ایران اجتناب شود، زیرا هرگونه مداخله سیاسی در دستگاه قضائی می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و تضعیف عدالت منجر گردد. در افغانستان نیز، فساد گسترده و دخالت‌های غیررسمی در دادرسی‌ها، موجب بی‌اعتمادی مردم به سیستم قضائی شده است.

برای پیشگیری از چنین مشکلاتی در ایران، باید استقلال قوه قضائیه به‌طور مؤثر حفظ شود و از هرگونه مداخله در فرآیندهای قضائی جلوگیری گردد. مطابق با اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه باید مستقل از دیگر قوا عمل کند و از

از مهم‌ترین عواملی هستند که باعث تضعیف استقلال قوه قضائیه و بی‌اعتمادی عمومی به دستگاه عدالت شده‌اند. مطابق گزارش‌های بین‌المللی، بیش از ۹۰٪ مردم افغانستان به دستگاه قضایی رسمی اعتماد ندارند و ترجیح می‌دهند اختلافات خود را از طریق دادگاه‌های سنتی و محلی حل و فصل کنند. این وضعیت، علاوه بر تضعیف اقتدار نظام قضایی، منجر به گسترش بی‌عدالتی و نقض گسترده حقوق شهروندان شده است.

مشکلات و چالش‌های امنیت قضایی در افغانستان

الف- فساد گسترده در دستگاه قضا

افغانستان یکی از فاسدترین نظام‌های قضایی جهان را داراست. براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، مقام‌های قضایی، از جمله قضات و دادستان‌ها، به‌طور گسترده در مقابل دریافت رشوه، احکام ناعادلانه صادر می‌کنند. این وضعیت، باعث شده عدالت نه بر مبنای قانون، بلکه بر اساس نفوذ و توان مالی طرفین دعوا اعمال شود (Akram, 2018).

ب- نفوذ گروه‌های مسلح و فقدان استقلال قضائی

پس از سقوط دولت پیشین، طالبان و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی کنترل نظام قضایی را به‌دست گرفتند و دادگاه‌های موازی ایجاد کردند. این دادگاه‌ها که بدون رعایت اصول دادرسی عادلانه فعالیت می‌کنند، نه تنها اعتبار محاکم رسمی را از بین برده‌اند، بلکه زمینه‌ساز اجرای عدالت خودسرانه و افزایش سرکوب مخالفان سیاسی شده‌اند. (UNDP, 2019: 102) علاوه بر این، بسیاری از قضات یا مجبور به همکاری با طالبان شده‌اند یا از سیستم قضایی کنار گذاشته شده‌اند که این امر استقلال دستگاه قضا را کاملاً تضعیف کرده است.

ج- رواج عدالت غیررسمی و ضعف نهادهای نظارتی

در بسیاری از مناطق افغانستان، مردم به دلیل بی‌اعتمادی به دادگاه‌های رسمی، حل اختلافات خود را به رهبران محلی، بزرگان قبایل و روحانیون می‌سپارند. این رویه که ریشه در ساختارهای

برای ایران، بهره‌گیری از الگوی ایالات متحده در تفکیک قدرت میان قوا، از مدل فرانسه در ایجاد نهادهای مستقل نظارتی، و از تجارب کشورهای بحران‌زده مانند ترکیه و افغانستان برای پرهیز از نفوذ سیاسی و فساد سیستماتیک، می‌تواند راهکاری مؤثر برای تقویت امنیت قضایی باشد. استقلال واقعی دستگاه قضا، ایجاد شفافیت در انتصاب و عزل قضات، و مقابله جدی با فساد، مهم‌ترین اقداماتی هستند که ایران می‌تواند برای ارتقای امنیت قضایی و اعتماد عمومی به کار گیرد و همواره بهتر است از یک سلسله اصول و موازین اخلاقی و حقوقی پیروی کند و پیوسته انطباق آیین و سازوکارهای مورد استفاده در تمام مراحل فرایند قضایی با آن سنجیده شود تا مبادا از مسیر انصاف منحرف گردد چرا که چنین انحرافی امنیت قضایی در جامعه را دچار اختلال می‌نماید (Basir et al., 2024).

راهکارهای تقویت امنیت قضایی در ایران

بهبود امنیت قضایی در ایران مستلزم اصلاحات عمیق در ساختار، قوانین و فرآیندهای اجرایی دستگاه قضا است. افزایش استقلال قوه قضائیه از طریق اصلاح فرآیند انتصاب و ارتقای قضات، تأمین استقلال مالی و جلوگیری از مداخلات سیاسی و امنیتی، از مهم‌ترین اقدامات ضروری محسوب می‌شود. همچنین، تقویت شفافیت از طریق انتشار عمومی آراء دادگاه‌ها، الزام به علنی بودن محاکمات و ایجاد سامانه‌های نظارت مالی بر دارایی‌های مقامات قضایی، می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی شود. علاوه بر این، اصلاح نظام نظارت بر عملکرد قضات از طریق ایجاد نهادهای مستقل و دادگاه‌های ویژه مبارزه با فساد قضایی، نقشی کلیدی در افزایش سلامت دستگاه قضا دارد. در این میان، فناوری‌های نوین مانند دادگاه‌های الکترونیکی، هوش مصنوعی در تحلیل پرونده‌ها و استفاده از بلاک‌چین برای ثبت اسناد قضایی، می‌توانند به کاهش فساد، افزایش شفافیت و تسریع فرآیندهای دادرسی کمک کنند.

نفوذ خارجی در تصمیمات قضائی جلوگیری شود. این اصل در عمل باید به‌طور کامل پیاده‌سازی شود.

همچنین، نظارت بر عملکرد قضات و دستگاه قضائی باید از هرگونه فشار سیاسی به دور باشد تا از بروز فساد جلوگیری گردد. اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان بدون حکم دادگاه صالح دستگیر یا زندانی کرد. برای تحقق این حق، نظارت‌های مؤثر و مراجع قضائی مستقل از مداخلات بیرونی ضروری است.

تحلیل تطبیقی امنیت قضایی در ایران، فرانسه، ایالات متحده، ترکیه و افغانستان

مقایسه تطبیقی نظام‌های قضایی در این کشورها نشان می‌دهد که کشورهایمانند ایالات متحده و فرانسه با ایجاد نهادهای مستقل نظارتی، انتشار عمومی آراء قضایی و تضمین استقلال دستگاه قضا توانسته‌اند امنیت قضایی را حفظ کنند. در مقابل، ترکیه و افغانستان به دلیل دخالت دولت در نظام قضایی و فساد سیستماتیک، با کاهش مشروعیت دادگاه‌ها و افزایش بی‌اعتمادی عمومی مواجه شده‌اند.

در ایالات متحده، استقلال قوه قضائیه از طریق ساختار فدرالی، انتصاب قضات توسط رئیس‌جمهور با تأیید کنگره، و نظارت دیوان‌عالی بر تطابق قوانین با قانون اساسی تضمین شده است. این نظام باعث شده که حتی در برابر فشارهای سیاسی، دستگاه قضایی بتواند تصمیمات مستقل بگیرد. در فرانسه نیز، شورای عالی قضات و دادگاه‌های ویژه، نظارت قوی بر عملکرد دستگاه قضا اعمال کرده و آن را از مداخلات سیاسی دور نگه می‌دارند. در مقابل، در ترکیه، وابستگی شدید قضات به دولت باعث شده که عدالت قضایی با چالش‌های جدی مواجه شود. افغانستان نیز به دلیل نفوذ گروه‌های قدرت و نبود نهادهای قضایی مستقل، دچار فروپاشی امنیت قضایی شده است.

تحقق این اصلاحات، مستلزم اراده سیاسی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال و تدوین قوانین حمایتی مؤثر است.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد که امنیت قضائی در ایران و دیگر کشورهای، به‌ویژه ترکیه و افغانستان، با چالش‌های عمده‌ای مواجه است. این مشکلات می‌توانند بحران مشروعیت دستگاه قضا را تشدید کرده و اعتماد عمومی به آن را تضعیف کنند. در ایران، مشکلاتی چون ضعف استقلال دستگاه قضا، فساد در درون سیستم قضائی، طولانی بودن فرآیند دادرسی و نبود شفافیت در محاکمات، از عواملی هستند که موجب کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی و تضعیف امنیت قضائی شده‌اند. مداخلات سیاسی در فرآیندهای قضائی و وابستگی مالی به نهادهای اجرائی، از دیگر چالش‌های عمده در کشور ما است. این آسیب‌ها و مشکلات مشابه آنچه که در ترکیه و افغانستان مشاهده می‌شود، به‌ویژه در زمینه فساد و مداخلات سیاسی، تأثیرات منفی زیادی بر امنیت قضائی این کشورها داشته است. در مقابل، کشورهای ایالات متحده و فرانسه به دلیل تأکید بر استقلال قضائی، شفافیت در فرآیندهای دادرسی، و نظارت عمومی و رسانه‌ای، توانسته‌اند سیستم قضائی خود را به‌طور مؤثری از فساد مصون نگه دارند و اعتماد عمومی به دستگاه قضائی را حفظ کنند. این کشورها با استفاده از نهادهای مستقل برای نظارت و انتصاب قضات بر شفافیت آراء قضائی و پاسخگویی قضات تأکید دارند و همین امر موجب افزایش مشروعیت دستگاه قضائی آن‌ها شده است.

ایران و دیگر کشورهای مشابه می‌بایست تجربیات موفق این کشورها را به‌طور جدی مدنظر قرار داده و اصلاحات قضائی مؤثری را انجام دهند. ایجاد نهادهای مستقل نظارتی، افزایش شفافیت فرآیندهای دادرسی، تقویت استقلال قضائی و مبارزه جدی با فساد، از جمله اصلاحات اساسی است که می‌تواند به بهبود وضعیت امنیت قضائی در ایران و دیگر کشورهای مشابه

کمک کند. بدون این اصلاحات، بحران مشروعیت دستگاه قضا ادامه خواهد یافت و اعتماد عمومی به سیستم قضائی تضعیف خواهد شد. به همین دلیل، کشورها باید به‌طور جدی به اصلاحات قضائی پرداخته و نقایص موجود را برطرف نمایند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، اصلاحات بنیادین در سیستم قضائی ایران ضروری است. این اصلاحات باید در سه حوزه اصلی استقلال قضائی، مبارزه با فساد و شفافیت فرآیند دادرسی متمرکز شود.

۱- تقویت استقلال قضائی:

ایجاد کمیسیون مستقل برای انتصاب قضات: بر اساس تجربه کشورهای پیشرفته، ایجاد کمیسیون مستقل برای انتصاب و ارتقاء قضات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این کمیسیون باید از هرگونه نفوذ سیاسی و امنیتی در فرآیند انتخاب قضات جلوگیری کند.

تفکیک کامل دستگاه قضا از نهادهای اجرائی: برای تأمین استقلال واقعی دستگاه قضا، باید تمامی مداخلات نهادهای اجرائی در فرآیندهای قضائی متوقف شود و قوه قضائیه باید از نظر مالی نیز مستقل شود.

۲- مبارزه با فساد قضائی:

ایجاد نهادهای نظارتی مستقل: مشابه آنچه که در ایالات متحده و فرانسه وجود دارد، باید نهادهای نظارتی مستقل و قوی برای کنترل فساد در دستگاه قضائی تأسیس شود. این نهادها باید از نظارت مستمر بر عملکرد قضات و سایر مقامات قضائی برخوردار باشند. دادگاه‌های ویژه برای مبارزه با فساد قضائی: باید دادگاه‌های ویژه‌ای برای رسیدگی به جرایم فساد در دستگاه قضائی تشکیل شود تا به‌طور مؤثر با فساد در درون سیستم قضائی مقابله شود.

۳- افزایش شفافیت و پاسخگویی:

سیستم‌ها می‌توانند حجم بالای پرونده‌ها را کاهش دهند و مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها را به حداقل برسانند.

افزایش تعداد قضات: با افزایش تعداد قضات و بهبود فرآیندهای آموزشی و استخدامی، می‌توان بر بار سنگین قضائی غلبه کرد و زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش داد.

۵- توسعه نظارت و تقویت نقش جامعه مدنی:

تقویت نظارت‌های مردمی و رسانه‌ای: باید ساختارهایی ایجاد شود که نظارت مردمی و رسانه‌ای بر عملکرد دستگاه قضائی به‌ویژه در حوزه‌های مالی و عملکرد قضات تقویت شود. رسانه‌ها و جامعه مدنی می‌توانند با فشار عمومی و نشر اطلاعات صحیح، فساد را کاهش دهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Judicial security is a foundational element of the rule of law and essential for the protection of individual rights and the administration of justice. In theory, it encompasses structural and functional independence of the judiciary, transparency in judicial processes, impartial adjudication, and effective oversight of judges' conduct. In practice, however, the realization of judicial security depends on broader political, legal, and cultural environments. In Iran, judicial security is compromised by entrenched challenges, including the judiciary's organizational and financial dependence on the executive branch, political interference in trials, widespread corruption, and procedural delays. These issues have not only undermined public confidence but also hindered access to fair and timely justice. The Iranian legal system enshrines principles of judicial independence and transparency in its constitution (e.g., Articles 156, 164, and 165), but practical implementation remains

الزام به انتشار عمومی آراء دادگاه‌ها: این اقدام به‌طور مؤثر می‌تواند شفافیت بیشتری به فرآیند دادرسی بدهد و از هرگونه اعمال نفوذ در فرآیندهای قضائی جلوگیری کند.

تحکیم جایگاه هیئت منصفه در دادرسی‌ها: هیئت منصفه می‌تواند نقش مؤثری در تضمین شفافیت و پاسخگویی سیستم قضائی داشته باشد. بنابراین، باید در برخی پرونده‌ها از هیئت منصفه برای ارایه نظر استفاده شود.

نظارت عمومی و رسانه‌ای: افزایش نظارت رسانه‌ها و نهادهای مدنی بر عملکرد قضات و دستگاه قضائی می‌تواند از فساد جلوگیری کرده و به شفافیت بیشتر در فرآیند دادرسی کمک کند.

۴- کاهش اطاله دادرسی:

توسعه سیستم‌های الکترونیکی: برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها، باید سیستم‌های الکترونیکی دادرسی تقویت شوند. این

inconsistent. Scholars such as Hajideh Abadi emphasize the dual dimensions of judicial security—objective and subjective—as necessary guarantees for safeguarding citizens' rights and trust in the justice system (Hajideh Abadi & Samimi, 2024). Objective security refers to the actual conditions under which justice is dispensed free from interference, while subjective security relates to the perceived sense of fairness and safety felt by individuals within the system. Where either is absent, the judiciary cannot fulfill its constitutional role, and justice becomes vulnerable to manipulation. Furthermore, the convergence of technological developments and state surveillance raises new ethical concerns over privacy and the use of artificial intelligence in courts, further complicating the landscape of judicial security.

A substantial body of scholarly work has addressed the complexities of judicial security, both in Iranian and international contexts. In Iran, researchers such as Najafi Zadeh

Dehkordi have highlighted the role of public trials in enhancing transparency and bolstering trust in the judiciary (Najafi Zadeh Dehkordi et al., 2023). Others, including Basir, have examined the ethical responsibilities of judges, emphasizing how adherence to moral codes can mitigate systemic corruption and promote impartiality in criminal proceedings (Basir et al., 2024). Salehi has explored the tensions between security-driven legal approaches and defendants' rights, noting that overemphasis on national security may lead to the criminalization of dissent and erosion of fair trial guarantees (Salehi & Zare, 2023). From an international perspective, foundational human rights documents such as the International Covenant on Civil and Political Rights (1966) guarantee fair trials and independent adjudication as cornerstones of judicial security. Frajoli's work underscores how legal predictability and stable jurisprudence contribute to trust in legal institutions (Frajoli, 2020), while Zedner has argued that oversight of state power through independent courts is crucial for maintaining checks and balances (Zedner, 2004). These studies collectively point to a global consensus: without secure, transparent, and accountable judicial systems, the broader aims of justice and governance remain unfulfilled. Iran's own legal scholarship recognizes these themes but often falls short in translating theoretical ideals into institutional practices, thus necessitating both introspection and comparative learning.

Comparative analysis with the judicial systems of the United States and France provides critical insights into mechanisms that safeguard judicial security. In the U.S., Article III of the Constitution ensures that federal judges enjoy lifetime tenure and salary protection, insulating them from political and financial pressures. While the election of judges at the state level presents some risks of politicization, federal judicial independence

remains robust. Transparency is reinforced by the Sixth Amendment's requirement for public trials and the presence of juries, which act as safeguards against state overreach. The Judicial Conduct and Disability Act (1980) further empowers independent bodies to investigate and discipline judges for misconduct, thereby upholding institutional integrity (Frajoli, 2020; Zedner, 2004). Similarly, the French legal system—rooted in civil law tradition—relies on institutions like the Conseil Supérieur de la Magistrature to oversee judicial appointments and discipline, maintaining a balance between autonomy and accountability. Judges in France are protected from executive interference, and mechanisms such as the Cour de Justice de la République ensure high-ranking officials are not above the law (Frajoli, 2020). Moreover, laws requiring the publication of court rulings enhance transparency and foster consistency in legal reasoning. These structural features demonstrate that judicial security is not a static legal norm but a dynamic function of institutional design, public scrutiny, and legal culture. Iran's judiciary, by contrast, lacks external oversight bodies with sufficient autonomy and often fails to guarantee the transparency and consistency critical for public trust.

The experiences of Turkey and Afghanistan serve as cautionary tales illustrating the consequences of eroded judicial security. In Turkey, constitutional amendments in 2017 significantly weakened the independence of the judiciary by increasing executive control over judicial appointments (Shafaqna, 2017). Following the 2016 coup attempt, the mass dismissal and arrest of thousands of judges and prosecutors led to a chilling effect on judicial independence. The resulting concentration of power in the presidency has allowed the judiciary to be used as a political tool, undermining due process and stoking public distrust. Despite constitutional

guarantees in Article 9 of Turkey's Constitution, the European Court of Human Rights has repeatedly condemned the Turkish government for violations of fair trial standards. Similarly, Afghanistan presents an extreme case of judicial collapse. Systemic corruption, lack of enforcement mechanisms, and the rise of parallel judicial structures under Taliban control have decimated public faith in formal courts (Akram, 2018). Most Afghans now resolve disputes through informal systems, which often lack legal legitimacy and procedural safeguards (UNDP, 2019: 102). The Afghan example reveals the dire consequences of a judiciary wholly compromised by extralegal actors and endemic corruption. Both cases illustrate that without institutional checks, independent oversight, and legal protections for judicial actors, courts become susceptible to manipulation, further exacerbating political instability and social fragmentation.

The Iranian context, though distinct, reflects patterns observed in Turkey and Afghanistan. Judicial appointments in Iran are centralized, with the head of the judiciary appointed by the Supreme Leader, and judicial oversight concentrated in bodies under the judiciary's own control. This arrangement not only impairs structural independence but also limits accountability, particularly when misconduct occurs within the upper echelons of judicial power. Financial dependence on the executive branch further entangles the judiciary in political interests, compromising its neutrality. Moreover, Iran's judiciary struggles with inefficiency: delays in adjudication, lack of digitized processes, and insufficient training of personnel all contribute to procedural bottlenecks. This inefficiency fuels public dissatisfaction and, in some cases, pushes litigants to seek extrajudicial solutions. While digital transformation holds promise for enhancing transparency and speed, Iran's efforts in e-

justice remain nascent and poorly integrated. Furthermore, the lack of systematic publication of court decisions undermines consistency in legal interpretation, while limited media access to judicial proceedings diminishes public oversight. As a result, the judiciary's capacity to deliver timely, impartial justice is persistently questioned, thereby weakening its legitimacy and its role as a guardian of constitutional rights.

To overcome these challenges, Iran must adopt a multi-pronged reform strategy grounded in international best practices and tailored to local conditions. First, the judiciary's structural independence must be enhanced by revising the judicial appointment and promotion system to reduce political influence. Establishing an independent judicial council—akin to France's CSM—could safeguard against executive overreach and ensure merit-based appointments. Second, transparency must be institutionalized through mandatory publication of court decisions, open trials, and financial disclosure by judicial officials. Legal reforms should mandate the use of digital platforms for case tracking, filing, and adjudication, which would increase accessibility and reduce opportunities for corruption. Third, oversight mechanisms need to be external and autonomous. Creating an independent ombudsman or a national anti-corruption commission with prosecutorial powers could address misconduct more effectively than internal disciplinary bodies. Fourth, procedural reforms should focus on reducing delays by streamlining litigation processes, training judicial staff, and leveraging technologies like AI for case management. Finally, public trust can be restored by reintroducing jury trials in complex or politically sensitive cases, empowering civil society to monitor judicial integrity, and ensuring that all citizens enjoy equal access to justice regardless of status or affiliation. Only through comprehensive

institutional reform can the judiciary fulfill its constitutional mandate and reclaim its role as a pillar of justice.

In conclusion, the quest for judicial security in Iran is not merely a technical or administrative endeavor but a political and moral imperative. The comparative evidence drawn from the United States, France, Turkey, and Afghanistan illustrates a spectrum of outcomes—from institutional resilience to systemic collapse—highlighting the consequences of either securing or undermining the judiciary. For Iran, the path forward requires a deliberate commitment to independence, transparency, and accountability, underpinned by legal reforms and civic engagement. Without these, the judiciary will remain vulnerable to political interference, and the broader project of justice will continue to falter. By learning from both successful models and failed experiments, Iran can forge a judiciary that not only adjudicates disputes but also safeguards the fundamental rights and dignity of its citizens. The sustainability of legal reform efforts will ultimately hinge on the will of political leaders, the vigilance of civil society, and the integrity of judicial actors committed to upholding the rule of law.

References

- Akbari, M., Sadati, S. M. J., & Javan Jafari Bajnordi, A. R. (2023). Re-reading the Principles of Criminal Procedure in the Face of Freedom-Oriented and Security-Oriented Discourses. *Journal of Judicial Law*, 87(123), 203-223.
- Akram, A. (2018). Judicial independence in Afghanistan: Challenges and reforms. *International Journal of Afghan Studies*, 6(3), 87-98.
- Basir, M. B., Ameri Nia, M. B., & Janipour, K. (2024). Moral Responsibilities and Judicial Security in Criminal Procedure. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 19(4), 108-115.
- Frajoli, F. (2020). *Judicial Security and the Rule of Law*. Cambridge University Press.
- Hajideh Abadi, M. A., & Samimi, M. J. (2024). Challenges of Judicial Security and Solutions to it with Emphasis on the Principle of the Rule of Law from the Perspective of Jurisprudence and Law. *Journal of Jurisprudence and Law*, 18(49), 31-62.
- Hosseini, S. M. S., Omidzadeh, B., & Biglari, F. (2024). Judicial Corruption from the Perspective of Zemiology. 10th International and National Conference on Management, Accounting, and Law Studies.
- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). (1966). Article 14 on Fair Trial Rights.
- Najafi Zadeh Dehkordi, H., Sadeghi Deh Sahraei, M., & Jazayeri, S. A. (2023). Judicial Security from the Perspective of Iranian Jurisprudence and Law and Human Rights Documents with Emphasis on Public Trial in Criminal Cases. *Journal of Comparative Jurisprudence*, 3(1), 31-41.
- Salehi, H., & Zare, M. K. (2023). Security-Oriented Approach to Criminalization in Iranian and American Law. *Journal of Shiraz University Law Studies*.
<https://doi.org/10.22099/jls.2024.48382.5010>
- Shafaqna. (2017). Turkey's constitutional changes and their impact on judicial independence.
<https://www.shafaqna.com>
- Torabi, M., & Behnia, M. (2017). Judicial Security and Related Guarantees in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. International Conference on Islamic Law and Jurisprudence.
- Vijeh, M. R. (2011). Legal Security as a Condition for the Realization of Judicial Security. *Journal of Strategy*, 58-95.
- Zedner, L. (2004). *Criminal Justice*. Oxford University Press.
<https://doi.org/10.1093/oso/9780198763666.003.0001> 10.1093/oso/9780198763666.001.0001